متن ترانه باران دوازدهم

ای آرزو ترین بهار

ای آرزو ترین بهار

تنها امید روزگار

تنها امید روزگار

آرامش دل های زار

آرامش دل های زار

ماه شبای انتظار

ماه شبای انتظار

بیا برگرد ای مسافر خسته

از غم تو گسسته

تار پود دل این دل شکسته

ز هجر تو ابر دیده بهاره

در فراغ نگاره

چشم پنجره ها در خون نشسته

در رویای دیدار توام

بی قرار تو ام

مرغ غم زده حالم

قوت پره و بالم

وا بکن گره از این پای بسته

بر روزگاربی حبیب

بر روزگاربی حبیب

جانا تویی تنها ترین

جانا تویی تنها ترین

یارا در این شهر غریب

یارا در این شهر غریب

عطری نداره بی تو سیب

عطری نداره بی تو سیب

 بیا برگرد ای ترانه ی لبها

بهترین دعاها

ای پناه سرشگه بی کسیها

بزن بارون ای خزانه ی رحمت

آسمان کرامت

سوی تو به نیازه دست دنیا

توی نجوای هر روز شیی

فاطمی نسبی

ای سولاله عصمت

 سر کن این شب غیبت

ای امید زلاله اشک غم ها